

Transnationalization as a Discourse and Oppositional Strategy in Türkiye's Competitive Authoritarian Regime

Hassan Sadeghian¹, Reza Dehghani²

DOI: [10.48308/piaj.2024.236633.1576](https://doi.org/10.48308/piaj.2024.236633.1576) Received: 2024/8/19 Accepted: 2024/10/26

Original Article

Extended Abstract

Introduction: Despite the growing body of literature on the advancement of authoritarian tactics and tools in competitive authoritarian regimes, our understanding of opposition strategies remains limited. This article examines the case of Turkey to introduce “transnationalization” as a novel discourse and strategy employed by the opposition to maintain its political position. It also aims to explore the governance methods and techniques of populist-authoritarian regimes.

Methods: This research employs a qualitative, “process-tracing” approach. Data was collected from documentary sources and Twitter accounts and analyzed through the theoretical framework of “transnationalization”.

Results and Discussion: Transnationalization is defined as a discourse and strategy whereby local leaders, under opposition leadership, challenge domestic and global boundaries by forging connections with the liberal-democratic world to expand their political space. In the case of Turkey, the opposition, particularly through the mayor of Istanbul, has effectively utilized transnationalization to counter the authoritarian government. To operationalize this strategy, the municipality of Istanbul has employed a combination of material and symbolic tools. By building international relations, demonstrating commitment to global and liberal norms, and increasing its agency in foreign policy, the mayor has successfully established a transnational identity. This strategy has been particularly effective in countering the authoritarian government's attempts to suppress the opposition and limit its political space.

1. Visiting lecturer at University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author). hasansadeqiyankumar@gmail.com.

2. Associate Professor, Department of West Asian & North African Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. rdehghani@ut.ac.ir.



Conclusion: The case of Turkey, a competitive authoritarian regime, highlights the potential of transnationalization as a strategy for opposition forces. By leveraging international connections and promoting democratic values, the opposition can challenge authoritarian rule and build support from the international community. This research underscores the importance of international support for democratic forces in authoritarian regimes, particularly when traditional methods of democracy promotion may be ineffective. As conventional efforts to promote democracy have faced backlash and strong anti-Western sentiment in many countries, authoritarian leaders like Erdogan have exploited nationalist sentiment by accusing opposition forces of collusion with international “enemies.” However, this article demonstrates that local leaders under the opposition in Turkey, driven by rational and normative motivations, have sought to establish links with the West and secure international support. Through symbolic, material, and political means of transnationalization, the mayor of Istanbul aimed to enhance international credibility and strengthen their governance capacity, especially crucial for opposition-controlled municipalities facing discrimination from the central government.

Keywords: transnationalization, opposition, competitive authoritarianism, municipality, Türkiye.

Citation: Sadeghian, Hassan & Dehghani, Reza. 2024. Transnationalization as a Discourse and Oppositional Strategy in Türkiye’s Competitive Authoritarian Regime, *Political and International Approaches*, Winter, Vol 16, No 4, PP 74-95.



فراملی سازی به مثابه یک گفتمان و راهبرد اپوزیسیونی در رژیم اقتدارگرای رقابتی ترکیه

حسن صادقیان^۱ و رضا دهقانی^۲

DOI: [10.48308/pijaj.2024.236633.1576](https://doi.org/10.48308/pijaj.2024.236633.1576)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۵

مقاله پژوهشی

چکیده مبسوط

مقدمه و اهداف: به رغم وجود حجم فزاینده‌ای از ادبیات در مورد پیشبرد تاکتیک‌ها و ابزارهای استبدادی در رژیم‌های اقتدارگرای رقابتی، هنوز فاقد دانش کافی در مورد گفتمان‌ها و راهبردهایی هستیم که اپوزیسیون علیه دولت‌های پوپولیستی-اقتدارگرا خلق کرده و به کار می‌گیرد. این مقاله با مطالعه موردی کشور ترکیه، «فراملی سازی» را به عنوان یکی از گفتمان‌ها و راهبردهای بدیع معرفی می‌کند که بر اساس آن بلوک اپوزیسیون موفق به بهره‌برداری از تاکتیک‌ها و ابزارهای آن به منظور حفظ جایگاه سیاسی در عرصه سیاسی و هویتی شده است. معرفی شیوه‌ها و تکنیک‌های حکمرانی رژیم‌های اقتدارگرایی از دیگر اهداف مدنظر می‌باشد.

روش‌ها: روش این پژوهش مبتنی بر تحقیق کیفی با رویکرد تکنیک «ردیابی فرایند» است. محتوای این پژوهش بر اساس منابع اسنادی - کتابخانه‌ای و تحلیل حساب‌های توئیتری و در قالب چارچوب نظری «فراملی سازی» تقریر شده است.

یافته‌ها: فراملی سازی به عنوان گفتمان و راهبردی تعریف می‌شود که از طریق آن مدیران محلی تحت رهبری مخالفان، مرزهای محلی و جهانی را با ایجاد پیوند آگاهانه با جهان لیبرال - دموکراتیک تغییر می‌دهند تا فضای مانور خود را گسترش دهند. بر این اساس پرسشی که مطرح می‌شود این است که بلوک اپوزیسیون ترکیه، با تمرکز بر عملکرد شهردار استانبول، از طریق کدامین روش و مکانیسم‌ها جهت عملیاتی سازی گفتمان و راهبرد فراملی سازی بهره‌برداری می‌کند؟ پاسخ به این پرسش که بیشتر با تحلیل محتوای حساب‌های توئیتر بین‌المللی شهردار استانبول، حاصل شده، به نظر می‌رسد شهرداری استانبول به منظور حفظ جایگاه و اعتباربخشی به ماهیت سیاسی بلوک اپوزیسیون و مقابله به تهدیدهای سیاسی ساختار حاکم، از ابزار مادی، نمادین و سیاسی این راهبرد و انگیزه‌های عقلانی و هنجاری بهره‌برداری حداکثری و موفق داشته است.

۱. مدرس مدعو، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). (رایانامه: [hasansadeqiyanku-mar@gmail.com](mailto:hasansadeqiyanku@mar@gmail.com))

۲. دانشیار گروه مطالعات غرب آسیا و آفریقا، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (رایانامه: rdeghani@ut.ac.ir)



نتیجه‌گیری: بر اساس بررسی وضعیت کشور ترکیه که نمونه‌ای از رژیم‌های اقتدارگرایی رقابتی محسوب می‌شود، فراملی‌سازی به مثابه یک گفتمان و راهبرد مبارزه اپوزیسیونی، توسط نهاد شهرداری تحت رهبری بلوک اپوزیسیون (متغیر مستقل) جامه عمل پوشیده است. به طوری که شهردار استانبول وابسته به بلوک اپوزیسیون از طریق برقراری روابط بین‌المللی، نشان دادن تعهد به هنجارهای جهانی و لیبرال و افزایش عاملیت خود در برنامه‌های سیاست خارجی، از لحاظ مادی، نمادین و سیاسی به یک هویت فراملی مبدل گشت. (متغیر وابسته) همچنین این پژوهش، نقش نیروهای بین‌المللی و جهانی را در حمایت از دموکراسی و اینکه چگونه می‌توانند به کارگزاران دموکراتیک در رژیم‌های استبدادی کمک مؤثری ارائه کنند، مورد توجه قرار می‌دهد. از آنجا که تلاش‌های متعارف برای ترویج دموکراسی واکنش‌های منفی ایجاد کرده و احساسات ضد ربی قوی در بسیاری از کشورها ایجاد کرده، نیروهای دموکراتیک بین‌المللی دیگر قدرت یا تمایلی برای مشارکت در ترویج دموکراسی ندارند، رهبران اقتدارگرایی رقابتی مانند اردوغان در ترکیه، سنت دیرینه‌ای دارند که احساسات ناسیونالیستی را با متهم کردن نیروهای اپوزیسیون به ائتلاف با «دشمنان» بین‌المللی برافروخته می‌کنند. با این وجود، این مقاله نشان می‌دهد که در ترکیه مدیران محلی تحت رهبری اپوزیسیون، در نتیجه انگیزه‌های عقلانی و هنجاری خود برای ایجاد پیوند با غرب مبارزه کردند و نیاز مبرمی به حمایت نهادهای جهانی داشتند. هدف شهردار استانبول از طریق ابزارهای نمادین، مادی و سیاسی فراملی‌سازی، ایجاد اعتبار بین‌المللی و ارتقای توانایی خود برای حکومت بود، که به‌ویژه زمانی که شهرداری‌های تحت کنترل مخالفان در معرض تبعیض دولت‌های مرکزی قرار می‌گیرند، اهمیت زیادی دارد.

واژگان کلیدی: فراملی‌سازی، اپوزیسیون، اقتدارگرایی رقابتی، شهرداری، ترکیه.

استناددهی: صادقیان، حسن و دهقانی، رضا. ۱۴۰۳. فراملی‌سازی به مثابه یک گفتمان و راهبرد اپوزیسیونی در رژیم اقتدارگرایی رقابتی ترکیه، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، زمستان، سال ۱۶، شماره ۴، ۹۵-۷۴.



۱. مقدمه

مسئله دموکراسی سازی و تحکیم دموکراسی دغدغه اصلی بشریت به ویژه روشنفکران و فیلسوفان در طول تاریخ بوده است، چراکه اولاً، دموکراسی مؤثرترین سیستم رسیدن به تعادل و تنها نظم متضمن کمترین بدی است و ثانیاً، به تعبیر آلفرد اسمیت «همه نارسایی‌های دموکراسی را می‌توان با دموکراسی بیشتر درمان کرد». با این حال، میزان و درصد نارسایی‌ها و نقص‌ها در همه کشورها یکسان نیست. به همین دلیل می‌بایست به لحاظ تحلیلی میان نظام‌هایی که همه شروط دموکراسی را به میزان زیادی محقق ساخته‌اند، نظام‌هایی که برخی از شروط دموکراسی را تحقق بخشیده‌اند و نظام‌هایی که گاهی حتی واجد شروط حداقلی دموکراسی نیستند، تمایز قائل شد. معمولاً نظام‌هایی با ویژگی‌های نخست، «دموکراتیک»، نظام‌های دارای ویژگی‌های دوم، «ترکیبی - هیبریدی» و نظام‌های با ویژگی‌های سوم، «غیردموکراتیک» نام‌گذاری می‌شوند (فاضلی، ۱۳۸۹: ۲۵؛ قاضی مرادی، ۱۳۹۷؛ بشیریه، ۱۳۸۴).

به نظر می‌رسد امروزه دموکراسی عمیق‌ترین بحران خود را در سراسر جهان تجربه می‌کند. تا سال ۲۰۲۱، ۳۳ کشور که ۳۶ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دادند در دست دولت‌های ضدکثرت‌گرا، خودکامه شده‌اند (Boese et al. 2022) و همانطور که هادنیوس می‌نویسد: «از سال ۱۹۷۲ تا سال ۲۰۰۳، ۷۷ درصد گذارها از حکومت اقتدارگرا به رژیم اقتدارگرایی دیگری انجامیده است» (Hadenius, 2007:152) (قاضی زاده، ۱۳۹۷: ۴۱). چنین دولتهایی فاقد تعهد به رویه‌های دموکراتیک، تهدید مخالفان سیاسی، بی‌احترامی به حقوق اقلیت‌ها و تمایل به پذیرش خشونت سیاسی هستند (Bermeo 2016; Levitsky and Ziblatt 2018). هنگامی که آنها سعی می‌کنند قدرت خود را از طریق تحریف سیاست ملی تقویت کنند، اغلب درگیر بیهوشی خشونت‌آمیز ظاهر می‌شوند.

در میان این موج جهانی خودکامگی و آنچه برخی از محققان آن را بحران نظم بین‌المللی لیبرال می‌نامند (Adler-Nissen and Zarakol 2021) هنوز هم در برخی از کشورها؛ جبهه‌هایی از مقاومت و بقای دموکراتیک با دستاوردهای مخالفان محلی وجود دارد. تحلیل چگونگی راهبردهای این نیروهای محلی در زمانی که اقتدار مرکزی توسط یک حزب ضدکثرت‌گرا کنترل می‌شود، می‌تواند نکات ارزشمندی در مورد راه‌های مقاومت در برابر سلطه استبداد ارائه دهد. در اصل، به نظر نگارندگان، به‌رغم وجود حجم فزاینده‌ای از ادبیات در مورد پیشبرد تاکتیک‌ها و ابزارهای استبدادی در رژیم‌های اقتدارگرایی رقابتی، هنوز فاقد دانش کافی در مورد گفت‌وگوها و راهبردهایی هستیم که اپوزیسیون علیه دولتهای پوپولیستی-اقتدارگرا خلق و به کار می‌گیرد. این مقاله با مطالعه موردی کشور ترکیه، «فراملی سازی» را به‌عنوان یکی از گفت‌وگوها و راهبردهای بدیع معرفی می‌کند که بر اساس آن بلوک اپوزیسیون، موفق به بهره‌برداری از تاکتیک‌ها و ابزارهای آن به منظور حفظ جایگاه سیاسی در عرصه سیاسی و هویتی خود در رژیم اقتدارگرایی رقابتی^۱ ترکیه

1. Competitive authoritarian regimes (CARs)

شایان ذکر است این نوع رژیم‌ها در قالب نظام‌های سیاسی «ترکیبی - هیبریدی» تقسیم‌بندی می‌شوند که نمونه‌های مشابه یا به عبارتی جایگزین هم دارند؛ نظیر رژیم‌های شبه دموکراتیک (Semi Democratic regimes)، الکترا دموکراتیک (Elec-toral Democratic regimes)، دموکراسی ناقص (Partial Democratic regimes)، دموکراسی مجازی (Virtual Democratic regimes)، و ...

شده که در حقیقت وجه نوآورانه مقاله حاضر هم معرفی این گفتمان و راهبرد است که می‌تواند به مثابه الگو، در کشورهایی دیگر هم مورد بررسی و از سوی جریان‌های اپوزیسیونی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. به نظر نگارندگان، ظهور، بروز و کاربردی بودن این نوع گفتمان‌ها و راهبردهای اپوزیسیونی، به نوع و شیوه حکومت‌ها هم بستگی دارد. به‌عنوان مثال، رژیم‌های اقتدارگرایی رقابتی با توجه به ماهیت ترکیبی آنها، به صورت نسبی فضای سیاسی را برای حضور و نقش‌آفرینی جریان‌ها و گروه‌های سیاسی در قالب چنین گفتمان‌ها و راهبردهایی فراهم می‌کنند. بدین منظور، در این بخش به معرفی رژیم‌های اقتدارگرایی رقابتی، به صورت مختصر پرداخته می‌شود. استیون لویسکی و لاکان وی، سه مسیری که منجر به ظهور رژیم‌های شبه‌اقتدارگرا - رژیم‌های اقتدارگرایی رقابتی شد، را چنین بیان می‌دارند:

«دو مسیر اول، از توقف نظام‌های اقتدارگرا نشأت می‌گیرد. به این ترتیب که به دلیل فشارهای داخلی و خارجی یا دچار پس‌روی و فروپاشی شدند یا بعدها، نهادهای دموکراتیک را پذیرفتند. مسیر سوم، سیر قهقهه‌رایی رژیم‌های دموکراتیک بود. متعاقباً بسیاری از این رژیم‌ها از کسب پیشرفت‌های دموکراتیک ناتوان ماندند، یا یک رژیم مستبد بسته را مجدداً برقرار کردند. در آن زمان تعداد زیادی از محققین فرایند دموکراسی‌سازی تصریح کردند که این رژیم‌ها صرفاً گذرا هستند و به زودی دموکراتیک خواهند شد. این «پارادایم گذار» در اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰ شروع به تغییر کرد و به طور جدی در آغاز قرن بیست و یکم مورد سؤال قرار گرفت (Göble, 2012: 3-4).

در این راستا توماس کارودرز بر اساس آمار و ارقام نشان می‌دهد که تنها در حدود ۲۰ مورد در میان بیش از ۱۰۰ کشور در حال گذار در جهت پیشرفت دموکراسی حرکت می‌کنند، در حالی که بقیه کشورها نه دموکراتیک و نه اقتدارگرا/ دیکتاتوری هستند. هر چند پارادایم گذار در یک دوره‌ای مفید به نظر می‌رسید، با این حال بیشتر کشورهایی که گذار را در نظر گرفتند، مدل گذار را دنبال نمی‌کنند. برعکس واضح است که آنها رفتارهای اقتدارگرایانه‌ای را ترویج/ تشویق می‌کنند (Kasleder, 2011: 16).

در رژیم‌های اقتدارگرایی رقابتی، حتی اگر انتخابات به طور منظم برگزار می‌شود و عموماً رقابتی است، مقامات مستقر به طور معمول از منابع دولتی سوء استفاده می‌کنند، پوشش رسانه‌ای کافی را از اپوزیسیون محروم می‌کنند، نامزدهای مخالف و حامیان آنها را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند، و در برخی موارد نتایج انتخابات را به حدی دستکاری می‌کنند که رژیم نتواند حداقل استانداردهای دموکراسی را برآورده کند. روزالیا کاسلدر^۱ معتقد است تئوری اقتدارگرایی رقابتی تلاش می‌کند ادامه «دموکراسی‌های دروغین^۲» را توضیح دهد (Kasleder, 2011: 2). در این راستا اوتاوی معتقد است رژیم‌های اقتدارگرایی رقابتی [غالباً شبیه رژیم‌های تفویضی]، نظام‌های پیچیده‌ای هستند که ترکیب متنوعی از آزادیهای لفظی لیبرال دموکراسی، وجود برخی نهادهای صوری دموکراتیک و احترام به حوزه محدودی از آزادی‌های مدنی و سیاسی را به نمایش می‌گذارند. با این حال خصلت‌های اساسی این رژیم‌ها، غیرلیبرال و حتی اقتدارگرایانه است. به علاوه، این ویژگی مبهم و دو پهلو، حالتی عمدی دارد.

1. Rozalia kasleder
2. False Democracy

نظام‌های اقتدارگرایی رقابتی دموکراسی‌های ناقص نیستند که در مسیر پیشرفت و تثبیت دموکراسی در حال حرکت باشند، بلکه این رژیم‌ها مصمم‌اند ظاهری از دموکراسی را حفظ کنند، بدون آنکه خودشان را در معرض مخاطرات سیاسی ناشی از رقابت آزاد قرار دهند. رژیم‌های اقتدارگرایی رقابتی، خصلت‌های سیاسی دو رگه‌ای دارند. در این رژیم‌ها عرصه محدودی برای رقابت واقعی به منظور کسب قدرت وجود دارد. به علت همین محدودیت، پاسخگویی حکومت کاهش می‌یابد. در عین حال، این رژیم‌ها فضای سیاسی را تا آن حد تحمل می‌کنند که احزاب سیاسی و سازمانهای مدنی شکل بگیرند، مطبوعات مستقل تا اندازه‌ای فعالیت کنند و برخی مباحث و گفتگوهای سیاسی مطرح شوند (اوتاوی، ۱۳۸۶: ۷).

کریستین گوبل هم در تعریف رژیم‌های شبه‌اقتدارگرا می‌گوید: «رژیم‌های شبه‌اقتدارگرا یک طبقه‌بندی بی‌دروپیکری دارند، زیرا آنها با آنچه که نیستند، تعریف می‌شوند. این رژیم‌ها نوعی حکومت هستند که نه کاملاً دموکراتیک هستند و نه کاملاً اقتدارگرا؛ لذا این وضعیت ممکن است نتیجه یک رژیم اقتدارگرایی باشد که برخی ویژگیهای دموکراتیک دارد و یا نتیجه یک رژیم دموکراتیکی باشد که دارای آزادیهای سیاسی و مدنی محدود است» (Göbel, 2012: 1-3).

رژیم‌های اقتدارگرایی رقابتی، با اقتدارگرایی مطلق متفاوت‌اند؛ بدین معنا که امکان حذف قواعد دموکراتیک از سوی مقامات حکومتی به طور کامل وجود ندارد. به تعبیر دیگر امکان نقض آشکار قوانین و قواعد دموکراتیک وجود ندارد؛ اما مقامات حکومتی با ترفندهایی نظیر دادگاهی کردن رهبران مخالف، مالیات بستن به نهادهای غیرخودی، اتهام‌زنی سیاسی-اقتصادی، فضا را برای فعالیت جریان مخالف محدود می‌کنند (Levitesky, 2002: 2-3). به طور خلاصه مهمترین ویژگی‌ها و شاخص‌های رژیم‌های اقتدارگرایی رقابتی بدین قرار است: ۱. محدودیت‌های واگذاری قدرت، ۲. ضعف نهادینگی، ۳. مرتبط نبودن برنامه‌های اصلاحی به یکدیگر، ۴. محدودیت‌های جامعه مدنی، ۵. انتخابات ناعادلانه، ۶. نقض آزادی‌های مدنی، ۷. زمینه بازی نابرابر^۱.

۲. روش پژوهش: ردیابی فرایند

محتوای این پژوهش بر اساس منابع اسنادی - کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای حساب‌های توییتری و از حیث روش مبتنی بر تحقیق کیفی با رویکرد تکنیک «ردیابی فرایند» می‌باشد. مهم‌ترین نوع تحلیل درون‌موردی، «ردیابی فرایند» است که یک ابزار اساسی برای تحلیل کیفی می‌باشد. تکنیک ردیابی فرایند غالباً مبتنی بر این پیش‌فرض است که مطالعه تبیینی یک پدیده خاص و منفرد مستلزم فهم فرایند وقوع یا ردیابی توالی علّی حوادثی است که متعاقب هم آمده‌اند. از این رو، برای تبیین یک واقعه خاص باید آن را در یک پیوستار علّی قرار داد و مراحل مختلف وقوع آن پدیده را روشن ساخت. ردیابی فرایند ذاتاً مسیره‌های تغییر و تحول را بررسی می‌کند. در یک معنا، فرایند را می‌توان زنجیره‌ی پیش‌رونده عمل / تعامل دانست که در طول زمان و مکان، گاه در واکنش به موقعیت یا زمینه، تغییر می‌کند و گاه ثابت می‌ماند.

۱. برای کسب اطلاعات و مطالعه بیشتر ر.ک به بخش مقدمه و بخش دوم کتاب «گذار به دموکراسی یا شبه‌اقتدارگرایی»؛ مارینا اوتاوی، ترجمه سعید میرترابی؛ نشر قومس، ۱۳۸۶.

این عمل / تعامل ممکن است شگردی باشد که عامل در واکنش به موقعیتهای مشکل به کار می‌زند؛ یا ممکن است عادی باشد و بدون تفکر انجام گیرد؛ این عمل / تعامل ممکن است منظم، منقطع، متوالی یا هماهنگ و در بعضی موارد آشفته باشد. آنچه فرایند عمل / تعامل را می‌سازد ماهیت پیش‌رونده و اشکال گوناگون آن، و پیش‌بردن همه اجزای مرتبط به‌سوی هدف واحد است (استراوس، کریین، ۱۳۹۰: ۱۸۵). درعین حال از ردیابی فرآیند می‌توان برای نظریه‌آزمایی یا نشان دادن مطابقت پیش‌بینی‌های نظری با واقعیات تجربی در یک مورد خاص نیز استفاده کرد (طالبان، ۱۳۸۸: ۶). ردیابی فرآیند همچنین می‌تواند قاطعانه در توصیف پدیده‌های سیاسی و اجتماعی و نیز ارزیابی ادعاهای علیت نقش داشته باشد (Collier, 2011: 2).

به‌طور کلی چهار نوع از تعاریف «مکانیسم» ارائه شده که هر کدام از بعد خاصی به موضوعات [بیشتر سیاسی - اجتماعی] توجه دارند: ۱. مکانیسم به‌عنوان علت یک معلول [تأثیر انتخاب مجموعه معین از ترجیحات و الزامات بر نتایج سیاسی - اجتماعی]، ۲. مکانیسم به‌عنوان، فرایند، واقعه یا متغیر میانجی [کشف ماهیت، جوهر یا ساختمان درونی]، ۳. مکانیسم به‌عنوان یک فرایند علی نامعین [توالی‌های علی پیوند دهنده‌ی وقایع؛ الگوهای علی که به‌طور مکرر رخ می‌دهند و به‌سادگی می‌توان آنها را شناخت، اما تحت شرایط عموماً ناشناخته یا با نتایج نامعلوم به‌کار می‌افتند]، ۴. مکانیسم به‌عنوان یک امر نامشهود که نتیجه را به وجود می‌آورد [وقایع تغییر دهنده روابط میان برخی عناصر و اجزای مجموعه؛ مجموعه‌ای از اجزای به‌هم پیوسته یا عناصری که اثری را به وجود می‌آورند که به‌خودی‌خود در هیچ یک از عناصر به تنهایی وجود ندارد] (طالبان، ۱۳۸۸: ۲۳).

در این راستا، در پژوهش حاضر «تأثیر انتخاب مجموعه معین از ترجیحات و الزامات شهرداری استانبول ترکیه بر نتایج سیاسی - اجتماعی حاکم بر بلوک اپوزیسیون ترکیه» در قالب «فراملی‌سازی» به‌مثابه یک گفتمان و راهبرد اپوزیسیونی در رژیم‌های اقتدارگرای رقابتی، موضوع بحث و بررسی شده است. در این خصوص شهرداری استانبول، از این فرایند به‌مثابه گفتمان و راهبرد در واکنش به موقعیتهای مشکل بهره‌برداری کرده است.

۳. چارچوب نظری: گفتمان و راهبرد فراملی‌سازی

مطالعات موجود نشان می‌دهد که کنترل یک دفتر اجرایی محلی (مثلاً نهاد شهرداری)، به دو صورت منابع حیاتی را برای بلوک اپوزیسیون در رژیم‌های اقتدارگرای رقابتی فراهم می‌کند. اول؛ پیروزی اپوزیسیون در انتخابات محلی می‌تواند عموم را به امکان تغییر قدرت عادت دهد (Carothers 2018). دوم؛ داشتن کنترل بر دفتر اجرایی محلی (شهرداری‌ها) - به‌ویژه در شهرهای پایتخت - به اپوزیسیون کمک می‌کند تا از این دفتر به‌عنوان «تخت پرشی» برای افزایش دید خود برای رأی‌دهندگان استفاده کند (Lucardi 2016). کانال مهمی که دفاتر محلی را به یک «تخت پرش» تبدیل می‌کند، پتانسیل آنها برای نشان دادن «ارائه خدمات مؤثر» مخالفان و «برطرف کردن ترس از نامناسب بودن آن برای حکومت» است (Lev-itsky and Way 2010).

اداره محلی خوب، نیروهای مخالف را به یک جایگزین مناسب برای حزب فعلی تبدیل می‌کند و به احزاب مخالف کمک می‌کند تا پایگاه حمایتی خود را گسترش دهند (Farole 2021). این فرصتی است برای احزاب مخالف نه تنها برای کسب تجربه در دولت، بلکه برای حفظ دسترسی به منابعی که می‌تواند حمایت انتخاباتی آنها را در آینده افزایش دهد. با این حال، دسترسی به منابع و حکومت ممکن است برای مدیران فرعی تحت رهبری اپوزیسیون زمانی که با سرکوب مواجه می‌شوند (یعنی، اقتدارگرایی منجر به فشرده‌شدن فضای سیاسی می‌شود) دشوار باشد. به منظور تسهیل تداوم رژیم، خودکامگان از همه ابزارهای ممکن برای سرکوب، مانند محدودکردن یا نقض آزادیهای سیاسی و مدنی استفاده می‌کنند (Escribà-Folch 2013).

از آنجا که دادگاه‌ها و رسانه‌های مستقل یا ضعیف هستند یا در این رژیم‌ها غایب هستند، متصدیان از منابع دولتی و اجبار برای تضمین بقای خود استفاده می‌کنند. مقامات فعلی اغلب از اطلاعات نادرست یا اخبار جعلی برای دستکاری افکار عمومی برای حمله به مقامات مخالف و استفاده از فناوری برای نظارت بر آنها استفاده می‌کنند (Boese et al. 2022; Diamond 2019). برخی تصمیم می‌گیرند با جایگزینی سیاستمداران منتخب با معتمدان منصوب شده توسط دولت، پیروزی‌های انتخاباتی اپوزیسیون را خنثی کنند (Tepe and Alemdaroğlu 2021). در چنین شرایط سرکوبگرانه، اپوزیسیون چندین گفت‌وگو و راهبرد را برای بقای خود اتخاذ می‌کند، مانند پخش برنامه از طریق پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی، مبارزه با اطلاعات نادرست یا معرفی سیاست‌های اجتماعی جدید و نوآورانه برای پاسخ به شهروندان ناراضی که بیشتر در معرض پیام‌های پوپولیستی هستند (McCoy and Somer 2021).

فراملی‌سازی یکی از گفت‌وگوها و راهبردهای مهمی است که بلوک اپوزیسیون در این خصوص مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد. گفت‌وگو و راهبرد فراملی‌سازی به شکل‌گیری ارتباطات آگاهانه اپوزیسیون با بازیگران جهانی و نهادهای بین‌المللی لیبرال از طریق یک دفتر اجرایی محلی اشاره دارد. در حالی که در ادبیات موجود فراملی‌شدن به «تعامل منظم بین بازیگران دولتی و غیردولتی در سراسر مرزهای ملی با هدف شکل‌دهی به نتایج سیاسی و اجتماعی در داخل، خارج از کشور و در یک حوزه جهانی در حال ظهور حکومت‌داری اشاره دارد» (Orenstein and Schmitz 2006: 485)؛ در گفت‌وگو و راهبرد فراملی‌سازی، تلاش آگاهانه مخالفان برای عبور از مرزهای ملی و گسترش فضای مانور خود از طریق پیوند با بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی مورد توجه است.

به عبارتی دیگر، منظور از گفت‌وگو و راهبرد «فراملی‌سازی»، روش‌هایی است که دفاتر اجرایی محلی تحت رهبری مخالفان، مرزهای جهانی و محلی را از طریق ایجاد پیوند آگاهانه با نهادها و بازیگران همفکر جهانی، تغییر می‌دهند و دوباره ابداع می‌کنند و اساساً راهبرد فراملی‌سازی از انگیزه‌های عقلانی و هنجاری دفاتر اجرایی محلی تحت رهبری مخالفان پدید می‌آید. در اصطلاح عقلگرا، آنها فراملی می‌شوند تا منابع خود را تولید کنند و علیه یک دولت مرکزی پوپولیستی سرکوبگر اقدام کنند که می‌کوشد آنها را از دارایی‌ها و ابزارهای حکومتی محروم کند. از نظر هنجاری، هدف آنها حفظ هنجارهای لیبرال طولانی مدت کشور تحت یک حکومت پوپولیستی است. به دلیل این انگیزه‌های هنجاری، اهریمن‌سازی «لیبرال‌های بین‌المللی» یا «جهانی‌گرایان» توسط دولت پوپولیستی، مخالفان را از برقراری پیوند با بازیگران بین‌المللی لیبرال باز نمی‌دارد (Ayan&Yardımcı, 2023:2).

در اصل، در قالب این گفتمان و راهبرد، رهبران اپوزیسیون داخلی آگاهانه به دنبال گسترش پیوند بین‌المللی خود از طریق برجسته کردن موضوعات مرتبط با هنجارهای جهانی و لیبرالی، برقراری روابط با بازیگران بین‌المللی/شبکه‌های جهانی و افزایش عاملیت خود بر برنامه‌های سیاست خارجی کشورشان هستند. به عبارت دیگر، اپوزیسیون با استفاده از کنترل محلی خود در یک شهر استراتژیک، مبارزه قدرت خود را علیه یک دولت مرکزی که به تحریف سیاست ملی و آزار بازیگران مخالف ادامه می‌دهد، فراملی می‌کند.

با این حال، استفاده از فراملی‌سازی به‌عنوان یک گفتمان و راهبرد اپوزیسیونی، با خطرات خاصی همراه است. پوپولیسیم ضدغربی، که ارزشهای سیاسی و فرهنگی دموکراسی لیبرال غربی را رد می‌کند، یکی از روایت‌های سیاسی پیشرو است که توسط دولتهای اقتدارگرای پوپولیست پذیرفته شده است (Mudde and Kaltwasser 2017). این دولت‌ها با استفاده از لفاظی‌های ضدغربی، نیروهای مخالف را متهم می‌کنند که بخشی از ائتلاف تحت رهبری غرب هستند که هویت و حاکمیت ملی را تضعیف می‌کند و سرکوب احزاب و فعالان مخالف را توجیه می‌کند. سؤال این است که با وجود این خطرات احتمالی، چرا دفاتر اجرایی محلی تحت رهبری مخالفان همچنان فراملی‌سازی را به‌عنوان یک استراتژی دنبال می‌کنند؟ چرا آنها به دنبال تولید منابع خود از طریق فراملی‌سازی هستند، اما به‌عنوان مثال، نه از طریق همکاری با یک دولت پوپولیستی-اقتدارگرا؟

مدعای پژوهش حاضر این است که فراملی شدن نه تنها در نتیجه انگیزه‌های عقل‌گرایانه بلکه در نتیجه نگرانیهای هنجاری رخ می‌دهد. از نظر عقلانی، نیروهای مخالف به دنبال حفظ منابع مادی، نمادین و سیاسی خود و خدمت به حوزه‌های محلی خود هستند. از نظر هنجاری، آنها به راهبردهای خود مشروعیت می‌بخشند و معنای عمیقتری برای اقدامات خود ارائه می‌دهند.

در نتیجه داخلی‌سازی گذشته هنجارها در نهادهای چندجانبه غربی و جهانی، نباید انتظار فرسایش کامل هنجارهای لیبرالی را در یک رژیم خودکامه تحت حاکمیت دولت‌های پوپولیستی-استبدادی داشت. همیشه عنصری از تداوم وجود دارد که در تمام فراز و نشیب‌های دموکراتیک دهه‌های اخیر دوام می‌آورد و علی‌رغم روند خودکامگی، درک عمیق درونی شده از الهامات لیبرال-برابری خواهانه دموکراسی همچنان می‌تواند ادامه داشته باشد (Welzel 2021). بنابراین، دفاتر اجرایی محلی تحت رهبری اپوزیسیون از یک استراتژی فراملی‌سازی هم از محاسبات عقل‌گرایانه مانند دستیابی به منابع از کانال‌های مستقل و هم از انگیزه‌های هنجاری مانند حفظ ارزش‌های لیبرال در کشور استفاده می‌کنند.

به طور کلی، در خصوص روند عملیاتی شدن گفتمان و راهبرد فراملی شدن، می‌توان چنین استدلال کرد که این گفتمان و راهبرد از طریق ابزارهای مادی، سیاسی و نمادین آشکار می‌شود. از نظر مادی، مدیران محلی تحت کنترل اپوزیسیون در شبکه‌های جهانی مشارکت می‌کنند و مشارکت‌ها و کانال‌های تأمین مالی جایگزین را از منابع بین‌المللی ایجاد می‌کنند. از نظر سیاسی، این بازیگران تلاش می‌کنند تا دستور کار سیاست خارجی کشورشان را با تأکید بر ارزش‌های دموکراتیک دوباره چارچوب‌بندی کنند. تعهد آنها به هنجارهای دموکراتیک و افزایش عاملیت در اشکال بین‌المللی، به نوبه خود، به طور نمادین به آنها در میان محافل بین‌المللی دیده می‌شود (Ayan&Yardımcı, 2023:4-5). به طور خلاصه مهمترین ویژگی و شاخص‌های گفتمان و راهبرد «فراملی‌سازی» بدین قرار است:

انگیزه‌های فراملی سازی

- حفظ ارزشهای لیبرال طولانی مدت کشور که مورد تهاجم دولت مرکزی قرار گرفته
- بازیابی منابع مستقل از دولت مرکزی اقتدارگرای رقابتی

ابزارهای فراملی سازی

- دستیابی به امتیاز و فرصت دیده شدن با تأکید بر ارزشهای مشترک در محافل بین‌المللی
- اصلاح دستور کار سیاسی و سیاست خارجی کشور
- ایجاد مشارکت‌های بین‌المللی و دستیابی به منابع مالی از سوی مؤسسات لیبرال جهانی و یا آژانس‌های بین‌المللی

شکل ۱، انگیزه‌ها، ابزارها و خطرات گفت‌وگو و راهبرد فراملی سازی برای اپوزیسیون (دفا تر اجرایی محلی تحت رهبری مخالفان) را به تصویر کشیده است:



شکل (۱): انگیزه‌ها، ابزارها و خطرات گفت‌وگو و راهبرد فراملی سازی برای اپوزیسیون

(Ayhan&Yardımcı, 2023: 5)

۴. مطالعه موردی: ترکیه

در ترکیه تقریباً از اواخر دولت عثمانی به‌ویژه در یک قرن اخیر حکومت‌های متعددی با عناوین مختلف اعم از «مشروطه‌خواه»، «تک حزبی»، «چند حزبی»، «قیمومتی»، «لیبرال مشارکتی»، «لیبرال محافظه‌کار»، «تفویضی»، «شبه اقتدارگرا» بر سریر قدرت حاکم شدند که در هر دوره تنها برخی از شروط دموکراسی محقق شدند اما نارسایی‌ها و موانع بالقوه و بالفعل همچنان باقی هستند و تحکیم دموکراسی در این کشور محقق نشده است (صادقیان، ۱۴۰۰).

اگرچه ترکیه بعد از سال ۲۰۰۲ به بعد با روی کارآمدن جریان اسلام‌گرای مدرن به رهبری رجب طیب اردوغان شاهد گشایش‌های سیاسی - اجتماعی از جانب ساختار سیاسی بوده، به نحوی که این کشور در طی یک دهه یعنی از سالهای ۲۰۰۲ الی ۲۰۱۲ توسعه قابل توجهی را در فرایند دموکراتیزاسیون تجربه کرد، اما بعد از سالهای ۲۰۱۵ شاهد تغییر رویه سیاسی در ترکیه هستیم که به نوعی شاهد «شیفت حکومتی از روندی دموکراتیک به روندی شبه‌اقتدارگرا» هستیم^۲. به همین دلیل است که به نظر برخی صاحب‌نظران، اینک رجب طیب اردوغان به عنوان رهبر پوپولیستی - اقتدارگرا شناخته می‌شود که برنامه‌های خودکامه خود را از طریق سطوح قطبی‌سازی «انقلابی» و «ایدئولوژیک» که به آن کمک می‌کند قدرت خود را در پیروزیهای پی در پی انتخاباتی حفظ کند، عملیاتی می‌کند. (Vegetti 2019; Somer 2019; Ayhan&- Yardımcı, 2023)

در این راستا توجه به این نکته مهم ضروری است که گرچه ترکیه طی دو دهه اخیر پیوندهای قوی با اتحادیه اروپا داشته، اما طی سالهای اخیر رهبران این کشور شیوه‌های غیرلیبرال قابل توجهی را اتخاذ کردند و به سرعت روند اروپایی‌زدایی را پیش بردند. تقریباً از سالهای ۲۰۱۳ به بعد اردوغان مواضعی اتخاذ کرده که اتحادیه اروپا را از منظر ارزشی مورد انتقاد قرار داده و با نهادهای اتحادیه اروپا مقابله می‌کند. در عین حال، این کشور همکاری دوجانبه‌ی بیشتری با قدرت‌هایی مانند روسیه و چین برای به حداکثر رساندن خودمختاری خود در مقابل روابط خود با اتحادیه اروپا داشته است.

در عرصه داخلی هم، سیاست‌های انتخاباتی علی‌رغم رشد شیوه‌های استبدادی حاکمان فعلی، همچنان رقابتی باقی مانده است (Esen and Gümüşçü 2019). به عنوان مثال، رقابت تنگاتنگ بین اتحاد حاکمه اردوغان و بلوک مخالف در انتخابات یک دهه اخیر به‌ویژه در انتخابات شهرداریهای ۳۱ مارس ۲۰۲۴ وجود داشته است. معهدنا، استراتژیک‌ترین دفاتر محلی، یعنی شهرداریهای استانبول و آنکارا، برای دوره قبلی (۲۰۱۹) و انتخابات ۳۱ مارس ۲۰۲۴ توسط مخالفان کنترل شده است. از این رو، از دست دادن کنترل بر این شهرها، ضربه بزرگی به پروژه‌های هژمون‌سازی حزب حاکم عدالت و توسعه بود.

۱. بدین ترتیب بود که طبق آمار سازمان ملل ترکیه در سال ۲۰۱۱ در ردیف کشورهای پیشرفته قرار گرفت و به گفته بانک جهانی در سال ۲۰۱۴ در فاصله سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۰، درصد طبقه متوسط ترکیه از ۱۸ درصد به ۴۱ درصد افزایش یافت و از طرف دیگر میزان درآمد ۴۰ درصد قشر پایین جامعه، به اندازه متوسط کل جمعیت افزایش یافت و این بدان معناست که میزان افزایش درآمد در کشور نصیب طبقات مختلف شده بود (صادقیان، ۱۴۰۰: ۱۲۹).

۲. بر اساس گزارش V-Dem 2022، ترکیه در میان ۱۰ کشور خودکامه برتر قرار دارد که در آن متصدیان ضدکثرت‌گرا به شیوه خودکامه کشور را مدیریت می‌کنند (Boese et al. 2022).

۵. فراملی سازی به عنوان یک گفت‌وگو و راهبرد اپوزیسیونی عملیاتی شده در ترکیه

تحلیل از حساب‌های توئیتر^۱ بین‌المللی شهردار استانبول، سه ابزار استراتژی فراملی سازی را نشان می‌دهد: مادی، نمادین و سیاسی. ابزار مادی فراملی سازی، شامل ایجاد روابط بین‌المللی و تقویت روابط دوجانبه و چندجانبه شهرداران با انواع سازمان‌های بین‌المللی و بازیگران خارجی است. در نتیجه تعامل فعال با بازیگران و شبکه‌های جهانی، فرامحلی یا منطقه‌ای، مشارکت‌های پایدار و منابع مالی مطمئن برای فعالیت‌های خود ایجاد می‌کنند.

ابزار نمادین فراملی سازی، شامل تعهد آنها به هنجارهای جهانی و لیبرال با تأکید بر اهمیت حاکمیت قانون، برابری جنسیتی، تغییرات آب و هوا، صلح و چندفرهنگی است. از طریق تأکید بر تعهد آنها به چنین ارزشهایی است که در شبکه‌های جهانی و رسانه‌های بین‌المللی دیده و احترام پیدا می‌کنند و مشارکت خود را حفظ می‌کنند.

ابزار سیاسی فراملی سازی، شامل افزایش عاملیت آنها در قالب‌بندی مجدد دستور کار سیاست خارجی کشورهایشان با اظهار نظر در مورد سیاست جهانی یا اروپایی، سیاست‌های دولت ملی و موفقیت‌های بین‌المللی کشورشان می‌شود. هدف شهردار استانبول از این طریق نشان دادن قدرت سیاسی خود در شکل دادن به برنامه‌های سیاست خارجی است. در زیر، سه ابزار فراملی سازی (که متقابل نیستند) را با چند مثال نشان داده می‌شود:

۵-۱. ابزار مادی فراملی سازی: ایجاد روابط بین‌المللی

شهردار استانبول در حساب‌های توئیتر بین‌المللی خود بر این روابط تأکید کرده که شامل انواع نهادهای جهانی و بازیگران خارجی بوده است. در میان اینها اتحادیه اروپا، سازمان‌های بین‌دولتی (مثلاً سازمان‌های تخصصی) آژانس‌های سازمان ملل متحد، شهرداران پایتخت‌های غربی، نمایندگان دولت‌های خارجی مانند سفرا و خود سران کشورها بودند. در بین نهادهایی که شهردار استانبول به دنبال تقویت روابط با آنها بود، اتحادیه اروپا در اولویت قرار دارد. شهردار استانبول، اولویت‌های اتحادیه اروپا را از نزدیک دنبال کرد و با همکاری نمایندگان اتحادیه اروپا مقیم ترکیه، این اولویتها را در شهر خود جامه عمل پوشاند. به عنوان مثال، در چارچوب هفته تحرک اروپایی که با هدف افزایش آگاهی در مورد تحرک شهری پایدار، یک روز بدون خودرو در خیابان‌های استانبول ترتیب داد و هیئت اتحادیه اروپا به ترکیه برای حمایت از تلاش او در این رویداد شرکت کرد (توییت: ۱۴۷). او با ایجاد روابط با پارلمان اروپا، تمایل خود را برای ایجاد مشارکت نزدیک‌تر با شهرداران و دولت‌های محلی در سراسر اروپا ابراز کرد.

تعامل در روابط دوجانبه و چندجانبه با مقامات محلی در پایتخت‌های غربی یکی دیگر از تاکتیک‌های متداول بود که شهردار استانبول برای تقویت روابط خود با غرب دنبال کرد. حساب‌های رسمی توئیتر آن اغلب فعالیت خود را در ایجاد روابط با شهرداران شهرهای دیگر جهان و اجرای آنچه که او سیاست‌های «شفاف» و «کثرت‌گرا» نامید، نشان می‌داد. همچنین شهردار استانبول، اتحادیه‌های فرامحلی را در مناطق

۱. در پژوهش حاضر، بازه زمانی ۲۰۱۹ الی ۲۰۲۳ برای بررسی و بهره‌برداری از توییت‌های شهردار استانبول انتخاب شده است.

جغرافیایی کشور خود ایجاد کرد. «اجلاس شهرهای بالکان»، مهم‌ترین ابتکار شهردار استانبول بود که هدف آن حفاظت از ارزش‌های مشابه از طریق شبکه‌ای از شهرها بود (توییت: ۴۹۳).

علاوه بر این، شهردار استانبول به منظور ایجاد روابط دوجانبه با نمایندگان رسمی دولت‌های غربی، اغلب به ملاقات با سفرا یا سرکنسول‌ها و حتی ارتباط هرازگاهی با وزیران خارجه یا سران دولت‌ها توجه داشت. به عنوان مثال، امام اوغلو در سفری به آتن، سفری که شهردار استانبول برای «بازگشت به سفر اخیر» شهردار آتن انجام داد، گزارش داد که وی برای دیدار با نخست‌وزیر یونان، کیریاکوس میتسوتاکیس، دعوت شده است. او در توییتی نوشت، او یک «مکالمه تحریک‌کننده» داشت که هم برای یونان و هم برای ترکیه سازنده خواهد بود (توییت: ۴۵۵). در همان روز، او همچنین با جورج پاپاندرئو و الکسیس سپراس نخست‌وزیر سابق یونان در آتن ملاقات کرد و با آنها در مورد اینکه چگونه نیروهای دموکراتیک در دو کشور باید برای کمک به صلح و تقویت همکاری در تماس باشند صحبت کرد (توییت: ۴۵۶).

ملاقات با سفیران یا سرکنسول‌ها در شهرهای خود نیز برای شهردار استانبول برای بررسی زمینه‌های همکاری اقتصادی و اجتماعی معمول بود. به عنوان مثال، امام اوغلو مدت کوتاهی پس از انتخاب خود به عنوان شهردار استانبول، جلسه‌ای با سرکنسول‌هایی که در استانبول خدمت می‌کردند ترتیب داد تا دیدگاه خود را برای «شهری عادلانه و انسان‌محور» به اشتراک بگذارد (توییت: ۱۶۴). وی بعداً عکس‌هایی از دیدارهای دوجانبه منتشر کرد یا در توییتی درباره روابط دوجانبه با چندین سرکنسول (از ژاپن، سوئد، هلند، انگلیس و آلمان) با هدف تقویت روابط تجاری و ارتقای فرصت‌های سرمایه‌گذاری جدید در استانبول، نوشت.

از سوی دیگر، شهردار استانبول با مشارکت زنان سازمان ملل، یک کمپین آگاهی بخشی در مورد از بین بردن خشونت علیه زنان ترتیب داد (توییت: ۲۲۶). این ابزارهای مادی استراتژی فراملی‌سازی، مستلزم اعتبار بین‌المللی بالا برای شهردار استانبول با هدف تضاد با لفاظی‌های احتمالی دولت در مورد ناتوانی شهردار مخالف بود. شهردار از طریق حفظ منافع مادی مانند بودجه، مشارکت در شبکه‌های منطقه‌ای، کشتی‌های شرکای دوجانبه و منابع دانش، قصد داشتند نشان دهند که اپوزیسیون قادر است منابع خود را ایجاد کند و حتی در شرایط ناعادلانه حکومت کند (Ayhan&Yardımcı, 2023:8-9).

۵-۲. ابزار نمادین فراملی‌سازی: تعهد به هنجارهای جهانی و لیبرال

شهردار استانبول در تلاش برای برقراری روابط با بازیگران و نهادهای غربی و هم در ارزیابی رویدادهای ملی یا جهانی، اغلب از گفتمانی استفاده می‌کرد که به هنجارهای لیبرالی مانند حاکمیت قانون و حقوق بشر اشاره می‌کرد و بر ماهیت جهانی تأکید می‌کرد. همچنین در سیاستهای شهری خود بر اساس اصول عدالت اجتماعی، برابری جنسیتی یا محیط زیست‌گرایی تأکید می‌کرد. این روش همان «ابزار نمادین فراملی‌سازی» است که هدف آن نشان دادن سیاست‌های شهردار در میان شبکه‌های جهانی است که بخشی از آن بودند. تقریباً نیمی از توییت‌های بین‌المللی امام اوغلو به این ارزش‌ها و مسائل اشاره داشتند که کاملاً در تضاد با سیاست‌های داخلی و خارجی اعمال شده توسط دولت اقتدارگرای پوپولیستی کشورش است.

به تعبیری، این تضاد عمداً ترسیم شد و با انگیزه‌های ذهنی شهردار مطابقت داشت. شهردار استانبول همکاری خود با بازیگران غربی را با توجه به سیاست‌های غیر لیبرال دولت حاکم بر ترکیه و ترویج سیاست‌های شهرداری خود در سطح بین‌المللی افزایش داد. تأکید اصلی امام اوغلو از نظر ارزشهای جهانی و لیبرالی صلح، چندفرهنگی، حقوق زنان و محیط زیست بود. او به طور علنی تعطیلات مذهبی را با شهروندان استانبولی که از پیشینه‌های مذهبی مختلف می‌آمدند جشن گرفت و بر غرور خود به عنوان شهردار «شهری که ادیان مختلف در کنار هم زندگی می‌کنند» تأکید کرد (توییت شماره ۲۲۵).

وی با نشان دادن احترام برابر به همه ادیان، اظهار داشت که شهرداری استانبول ۵۰ مقام مذهبی از گروه‌های مذهبی مختلف را برای ارائه خدمات یکسان به تمام ۱۶ میلیون استانبولی به کار گرفته و پیام صلح را در میان همه ادیان ارائه می‌دهد (توییت: ۲۳۲). این سیاست در تضاد با ارجاع دولت اردوغان به دین، یا به طور خاص‌تر، اسلام، به عنوان «هویت پردکننده و مرزساز برای ملت ترکیه» بود (Yabancı 2023). سه ماه قبل از فرمان دولت مبنی بر تبدیل کلیسا ۱۵۰۰ ساله ایاصوفیه به مسجد، امام اوغلو عکسی از مسجد سلیمانیه به اشتراک گذاشت تا میراث معمار سینان را که با ساخت این اثر باشکوه «استانبول را در کنار دیگران از ساریوو تا بغداد، اورشلیم تا مکه به ستاره‌ای در حال ظهور در عصر خود تبدیل کرده بود» به یادگار بگذارد. (توییت: ۳۰۱).

امام اوغلو در مورد حقوق زنان به مسائل ادغام زنان در نیروی کار و مبارزه با خشونت علیه زنان پرداخت. او تصاویری از اولین خدمه‌ی زن سوار بر کشتی استانبول، آتش نشانان زن یا بازیکنان زن هاکی را به اشتراک گذاشت. او به ارائه آماری در مورد افزایش تعداد کارمندان زن در رده‌های مختلف در منطقه شهری استانبول افتخار کرد (توییت: ۳۵۷). او با سازمان ملل متحد برای افزایش آگاهی در مورد روز جهانی منع خشونت علیه زنان همکاری کرد. امام اوغلو برخلاف دولت ترکیه که از کنوانسیون استانبول (معاهده حقوق بشر شورای اروپا علیه خشونت علیه زنان) خارج شد، بر کمپین افزایش آگاهی خود در مورد این موضوع تأکید کرد.

در مجموع، سیاست‌های امام اوغلو در ترویج موضوعات جهانی، مانند عدالت اجتماعی، تغییرات آب و هوایی و حقوق زنان، از یک سو، و گفت‌وگو و گفت‌وگوهای لیبرال، مانند حاکمیت قانون و چندفرهنگ گرایی، از سوی دیگر، ابزارهای مهم برای استراتژی فراملی شدن شهردار استانبول در سطح نمادین را تشکیل می‌دهند. وی در انطباق با انگیزه‌های هنجاری خود، نشان داد که نه تنها ارزشها و اصول مشابهی با دموکراسی‌های لیبرال از غرب دارند، بلکه سیگنال‌های معتبری در مورد تمایل خود برای محافظت از این ارزشها در برابر سیاست‌های غیر لیبرال دولت خود ارسال کرد. هدف امام اوغلو از این طریق ایجاد تصویری شایسته و محترم از اپوزیسیون در عرصه بین‌المللی و به‌عنوان یک شریک قابل اعتماد در مجامع جهانی و بین‌المللی دیده شدن بود (Ayhan&Yardımcı, 2023:10).

۵-۳. ابزار سیاسی فراملی سازی: چارچوب‌بندی مجدد دستور کار سیاست خارجی

توثیفات‌های شهردار استانبول نشان می‌دهد که وی در اتخاذ مواضع سیاست خارجی قاطعانه عمل کرد. وی در بیش از نیمی از توثیفات‌های بین‌المللی خود، درباره رویدادهای بین‌المللی، سیاست اتحادیه اروپا یا سیاست خارجی دولت مرکزی اظهار نظر کرد. این امر به‌ویژه نوآورانه و شگفت‌آور است؛ زیرا دولت‌های محلی به ندرت به حوزه‌های سیاست خارجی توجه دارند. در تضاد شدید با این فرض که عاملیت سیاسی لزوماً مستلزم مشارکت در رویه‌های تصمیم‌گیری یا پر کردن پست‌های مرکزی است، این بازیگر فرعی تلاش آگاهانه‌ای برای تبدیل شدن به عوامل سیاسی فراملی با طرح موضوعات، موضع‌گیری و بیان ادعاها در عرصه سیاست خارجی انجام می‌دهد. به طوری که، تغییرات اقلیمی در برنامه‌های سیاست خارجی شهردار استانبول جایگاه اصلی را به خود اختصاص داد و مشارکت وی را در سیاست بین‌الملل نشان داد. در چندین توثیفات، امام اوغلو نگرانی‌های خود را در مورد بحران آب و هوا مطرح کرد و به اهمیت بنیادین و زیربنایی نقش دولت‌های محلی تأکید کردند.

به‌عنوان مثال، امام اوغلو در کنفرانس تغییرات آب و هوایی COP26 در گلاسکو (۲۰۲۱) شرکت کرد و بسیاری از توثیفات‌ها به تمایل استانبول برای همکاری نزدیک بر سر بحران آب و هوا با تصمیم‌گیرندگان و رهبران اشاره کردند (توثیفات شماره‌های: ۴۶۵، ۴۱۸، ۳۷۹، ۱۶۶). بر این اساس، استانبول همراه با چندین شهر بین‌المللی دیگر، امضاکننده اعلامیه گلاسکو شد که تعهد به توسعه سیاست‌های غذایی پایدار را تضمین می‌کرد. علاوه بر این، وی با شرکت در اقدام جهانی آب و هوا، به عنوان شهردار استانبول، نه تنها با دیگر شهرداران بین‌المللی، بلکه با جان کری، نماینده ویژه رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا در امور تغییرات اقلیمی، با هدف اعلام شده خود برای «تأمین آینده‌ای پایدار و عادلانه برای همه» ملاقات کرد (توثیفات: ۴۱۸).

علاوه بر تغییرات آب و هوایی، شهردار استانبول همچنین در مورد رویدادهای سیاسی بین‌المللی مختلف به عنوان بخشی از برنامه‌های سیاست خارجی خود اظهار نظر کرد. به عنوان مثال، امام اوغلو به خانواده‌های قربانیان انفجار بیروت تسلیم گفت، نسل‌کشی در سربرنیتسا را گرامی داشت و نگرانی‌های خود را در مورد آتش‌سوزی‌های جنگلی استرالیا و حملات تروریستی بر پل لندن در میان گذاشت. نمونه‌های بیشتری وجود دارد که نشان می‌دهد چگونه امام اوغلو، به‌عنوان چهره کلیدی اپوزیسیون در کشور ترکیه، مواضع خود را علیه جهت‌گیری سیاست‌های دولت مرکزی آشکار کرد و اغلب از مقامات فعلی انتقاد می‌کند. به عنوان مثال، امام اوغلو آشکارا مخالفت خود را با سیاست دولت مرکزی سوریه نشان داد و خواستار یک سوریه با ثبات و بازگشت آزادانه و ایمن آوارگان به خانه‌های خود شد (توثیفات: ۱۵۷) و با کمک به اوغورهایی که در مقابل کنسولگری چین در استانبول تظاهرات می‌کردند، همدردی خود را با آرمان اوغورها ابراز کرد (توثیفات: ۳۸۸). با این حال، امام اوغلو در حالی که به عنوان یک عامل سیاسی فراملیتی ظاهر می‌شد، گاهی اوقات از دولت مرکزی حمایت می‌کرد که در راستای سیاست خارجی سنتی ترکیه بود. به عنوان مثال، او اظهارات دولت ایالات متحده در مورد ادعای نسل‌کشی ارامنه در سال ۱۹۱۵ را محکوم کرد (توثیفات: ۴۱۰) و خبر کشف گاز طبیعی در دریای سیاه را جشن گرفت (توثیفات: ۳۴۱).

در مجموع، ابزار سیاسی استراتژی فراملی سازی شامل ادعاهایی درباره موضوعات بین‌المللی مانند تغییرات آب‌وهوایی، انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا و انتقاد از سیاست‌های قدرت‌های اصلی اقتدارگرا، روسیه و چین است. به این ترتیب، شهردار استانبول نشان داد که مهارت‌های لازم برای نمایندگی ملی کشورشان را دارد و در صورت انتخاب خود یا احزابشان، شریک قابل اعتمادی برای غرب خواهند بود. علی‌رغم دسترسی نداشتن به رویه‌های تصمیم‌گیری در سطح ملی، شهردار دائماً در مورد موضوعات سیاست خارجی مرتبط با سیاست بین‌المللی، اروپایی یا ملی اظهار نظر می‌کرد و از رسانه‌های اجتماعی به عنوان رسانه‌ای برای کنش‌های ارتباطی استفاده می‌کردند (Ayhan&- Yardımcı, 2023:11-12).

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، تلاش شد بر اساس شواهد کشور ترکیه که نمونه‌ای از رژیم‌های اقتدارگرایی رقابتی محسوب می‌شود، گفت‌وگو و راهبرد فراملی سازی به مثابه یک روش مبارزه اپوزیسیونی معرفی گردد که توسط نیروهای محلی (با تمرکز بر نهاد شهرداری استانبول) تحت رهبری بلوک اپوزیسیون جامعه عمل پوشیده است. بلوک اپوزیسیون به محوریت حزب جمهوری خلق از طریق ایجاد پیوندهای آگاهانه با بازیگران جهانی و نهادهای چندجانبه، یک گفت‌وگو و راهبرد فراملی سازی را به اجرا گذاشت؛ به طوری که شهردار استانبول از طریق برقراری روابط بین‌المللی، نشان دادن تعهد به هنجارهای جهانی و لیبرال و افزایش عاملیت خود بر برنامه‌های سیاست خارجی، از لحاظ مادی، نمادین و سیاسی به یک هویت فراملی مبدل گشت. علی‌رغم مواجهه با خطرات سرکوب توسط دولت شبه‌اقتدارگرای فعلی ترکیه، شهردار این چالش را پذیرفت و از آن به عنوان راهبردی برای ایجاد منابع خود (یعنی انگیزه عقل‌گرایانه) و حفظ هنجارهای لیبرال (یعنی انگیزه هنجاری) به عنوان بخشی از مقاومت خود در برابر دولت اقتدارگرا استفاده کرد.

همچنین، این پژوهش، نقش نیروهای بین‌المللی و جهانی را در حمایت از دموکراسی و اینکه چگونه می‌توانند به کارگزاران دموکراتیک در رژیم‌های استبدادی کمک مؤثری ارائه کنند، به منصفه ظهور می‌رساند. از آنجایی که تلاش‌های متعارف برای ترویج دموکراسی واکنش‌های منفی ایجاد کرده و احساسات ضد غربی قوی در بسیاری از کشورها ایجاد کرده است، نیروهای دموکراتیک بین‌المللی دیگر قدرت یا تمایلی برای مشارکت در ترویج دموکراسی ندارند، (Levitsky and Way 2020) رهبران اقتدارگرای رقابتی مانند اردوغان در ترکیه، سنت دیرینه‌ای دارند که احساسات ناسیونالیستی را با متهم کردن نیروهای اپوزیسیون به ائتلاف با «دشمنان» بین‌المللی برافروخته می‌کنند.

با این وجود، در این مقاله نشان داده شد که در ترکیه مدیران محلی تحت رهبری اپوزیسیون در نتیجه انگیزه‌های عقلانی و هنجاری خود برای ایجاد پیوند با غرب مبارزه کردند و نیاز مبرمی به حمایت نهادهای جهانی داشتند. هدف شهردار استانبول از طریق ابزارهای نمادین، مادی و سیاسی فراملی سازی، ایجاد اعتبار بین‌المللی و ارتقای توانایی خود برای حکومت بود، که به‌ویژه زمانی

که شهرداری‌های تحت کنترل مخالفان در معرض تبعیض دولت‌های مرکزی قرار می‌گیرند، اهمیت زیادی دارد.

اینکه آیا گفتمان و راهبرد فراملی‌سازی، به اپوزیسیون در انتخابات کمک می‌کند و مهم‌تر از همه برای اپوزیسیون در رژیم‌های اقتدارگرای رقابتی انعطاف‌پذیری می‌آورد، سؤال دیگری است که مطالعات آینده باید به دنبال بررسی آن باشند. اگرچه یافته‌های موجود نمی‌تواند به ما بگوید که آیا این گفتمان و راهبرد می‌تواند منجر به تغییر رژیم شود یا خیر، ابزارهای مادی، نمادین و سیاسی آن قطعاً به اپوزیسیون کمک می‌کند تا در یک محیط سرکوب‌گر فزاینده به حکومت و خدمت به حوزه‌ها ادامه دهند. طرفه اینجاست که در ترکیه این گفتمان و راهبرد نسبتاً موفق‌آمیز بوده است، چراکه در انتخابات شهرداری ۳۱ مارس ۲۰۲۴ شاهد پیروزی جریان اپوزیسیون بودیم که بخشی از این فرایند نتیجه بهره‌برداری از ظرفیت و ابزارهای نمادین، مادی و سیاسی فراملی‌سازی بود.^۱

به‌زعم نگارندگان پژوهش حاضر، این مسئله در ذهن همچنان متبادر است که آیا عملکرد مؤفق بلوک اپوزیسیون در انتخابات شهرداری‌های ترکیه (به‌ویژه شهرداری استانبول) در ۳۱ مارس ۲۰۲۴، نمایشی از تقویت فرایند دموکراتیزاسیون در ترکیه است که حدود یک دهه است با چالش و موانع گسترده‌ای از سوی ساختار حاکم مواجه می‌باشد؟ یا اینکه نمایشی دیگر از سازوکارهای دیگر رژیم اقتدارگرای رقابتی / هیبریدی حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان است؟

با توجه به اینکه هنوز قدرت اصلی کشور در اختیار رئیس‌جمهور اردوغان است و قطعاً با شیوه‌های مختلف از جمله باطل کردن اعتبار شهرداری‌های انتخاب شده، در عملکرد و موفقیت شهرداری‌های بلوک اپوزیسیون مانع‌تراشی خواهد کرد؛ به نظر می‌رسد هنوز بحث درباره ماهیت قدرت سیاسی در جامعه ترکیه، محل استقرار قدرت و اینکه چه کسی باید آن را در دست گیرد، همچنان محدود خواهد بود. هرچند عملکرد بلوک اپوزیسیون با رهبری حزب جمهوری خلق در سال‌های آتی و متقابلاً عملکرد حزب حاکم و به‌ویژه شخص رئیس‌جمهور اردوغان، در تغییر این روند می‌تواند مؤثر باشد. لذا تنها با مشاهده نتایج انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری سال‌های آتی ترکیه، می‌توان از تغییر در ماهیت قدرت سیاسی در ترکیه سخن گفت و در آن موقع است که می‌توان مدعی شد در ترکیه محل استقرار قدرت و اینکه چه کسی باید آن را تصاحب کند، تغییر یافته است و شاهد شیفت از ساختار سیاسی با گرایش‌های اسلامگرا به ساختار سیاسی جمهوریخواه با گرایش‌های سکولار هستیم.

۱. شایان ذکر است اگر در همین شرایطی که در پژوهش حاضر آمده است، به جای امام اوغلو شهردار استانبول، شخص دیگری قرار داشت که از توانایی و پتانسیل و ظرفیت ایشان برخوردار نبود به احتمال زیاد این گفتمان و راهبرد کارساز نمی‌شد و قطعاً تأثیر منفی به بار می‌آورد و به کلی ظرفیت گفتمان بلوک اپوزیسیون را تضعیف و از بین می‌برد. مثال دیگر اینکه؛ با اینکه آقای کمال قلیچدار اوغلو حدود ۱۳ سال رئیس حزب جمهوری خلق به عنوان حزب مادر بلوک اپوزیسیون ترکیه بود، با توجه به وضعیت ساختار سیاسی دوره مدیریت وی، وضعیت متفاوت نظام بین‌الملل و از همه مهمتر ظرفیت و پتانسیل شخص ایشان، وی نتوانست در این عرصه تحول‌آفرین باشد و به صورت مداوم در انتخابات با شکست مواجه گردید. اما با تغییر مدیریت در این حزب و رهبری آقای اوزل، این حزب در انتخابات شهرداری ۳۱ مارس ۲۰۲۴ پیروز شد و جایگاه بین‌المللی این حزب افزایش یافت.

منابع

- استراوس، آنسلم، کرین، جولیت (۱۳۹۰)، مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای)، مترجم: ابراهیم افشار، نشر نی، تهران.
- اوتوای، مارینا (۱۳۸۶)، گذار به دموکراسی یا شبه‌اقتدارگرایی، مترجم: سعید میرترابی، نشر قومس، تهران.
- صادقیان، حسن (۱۴۰۰)؛ فرایند دموکراسی سازی در ترکیه و موانع تحکیم آن در دولت حزب عدالت و توسعه؛ انتشارات جامعه‌شناسان. تهران.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۶)، گذار به دموکراسی (گفتارهای نظری)، تهران: نشر گام نو.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۹)، بنیان‌های ساختاری تحکیم دموکراسی، تهران، نشر کندوکاو.
- قاضی‌زاده، حسن (۱۳۹۷)، گذارها به دموکراسی، نشر: اختران، تهران.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۷)، «تأملی بر تکنیک «ردیابی فرآیند» در مطالعات انقلاب اسلامی»، فصلنامه علمی - پژوهشی متین، شماره ۴۰. Dor:20.1001.1.24236462.1387.10.40.5.6

References

- Adler-Nissen R and Zarakol A (2021), "Struggles for Recognition: The Liberal International Order and the Merger of Its Discontents". *International Organization* 75(2), 611–634. <https://doi.org/10.1017/S0020818320000454>.
- Ayan Musil, Pelin & Yardımcı-Geyikçi, Şebnem (2024), "Trensnationalization of Opposition Strategy under Competitive Authoritarianism: Evidence from Turkey and Hungary". *Governmental and Opposition* (2024), 59/ 341-359.
- BBC Türkçe (2022), Soylu: 'İstanbul Büyükşehir Belediyesinde İşe Alınan 1668 Kişinin Veya Yakınının Terör İle Bağlantısı Var'. 26 November, www.bbc.com/turkce/articles/c4n22zrzl-8no.
- Bashirieh, Hossein, (2008), *Transition to Democracy, Contemporary View, Volume One, Third Edition*, Tehran: Contemporary View Publications.[In Persian].
- Bermeo N (2016), "On Democratic Backsliding". *Journal of Democracy* 27(1), 5–19. <http://doi.org/10.1353/jod.2016.0012>.
- Boese VA et al. (2022), "State of the World 2021: Autocratization Changing Its Nature?" *Democratization* 29 (6), 983–1013. <https://doi.org/10.1080/13510347.2022.2069751>.
- Carothers C (2018), "The Surprising Instability of Competitive Authoritarianism". *Journal of Democracy* 29 (4), 129–135. <http://doi.org/10.1353/JOD.2018.0068>.
- Cumhuriyet (2021), "İmamoğlu'nun Bulduğu Kredi 9 Aydır Erdoğan'ın Onayını Bekliyor". 27 August, www.cumhuriyet.com.tr/haber/imamoglundun-buldugu-kredi-9-aydir-erdoganin-onayini-bekliyor-1864072.
- Davenport C and Armstrong II DA (2004), "Democracy and the Violation of Human Rights: A Statistical Analysis from 1976 to 1996." *American Journal of Political Science* 48(3), 538–554. <https://doi.org/10.2307/1519915>.
- David Collier, University of California, Berkeley, (2011), ps: "political science and politics". 44/No.4:823-30

- Escribà-Folch A (2013), “Repression, Political Threats, and Survival under Autocracy.” *International Political Science Review* 34(5), 543–560. <https://doi.org/10.1177/0192512113488259>.
- Esen B and Gümüüşçü Ş (2019), “Killing Competitive Authoritarianism Softly: The 2019 Local Elections in Turkey”. *South European Society and Politics* 24(3), 317–342. <https://doi.org/10.1080/13608746.2019.1691318>.
- Farole SA (2021), “Eroding Support from Below: Performance in Local Government and Opposition Party Growth in South Africa.” *Government and Opposition: An International Journal of Comparative Politics* 56(3), 525–544. <https://doi.org/10.1017/gov.2020.7>.
- Fazeli, Mohammad (2010), *Structural foundations of democracy consolidation. (experience of democracy in Iran, Turkey and South Korea)*, Tehran: Kandokav.[In Persian].
- Ghazizadeh, Hassan (2018), *Transitions to Democracy, Publications: Akhtran, Tehran.*[In Persian].
- Göbel, Christian (2012), “Semiauthoritarianism”. University of North Texas, SAGE. Reference.
- Hadenius, Axel and Teorell, Jan (2007) “Pathways From Authoritarianism”. *Journal of Democracy*; Vol.18.1.
- Kasleder, Rozalia (2011), “Semi-authoritarianism:the case study of Ethiopia”; Published 1 April 2011/Political Science, Sociology /Corpus ID: 154128397
- Levitsky S and Way LA (2010), *Competitive Authoritarianism: Hybrid Regimes after the Cold War*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Levitsky S and Ziblatt D (2018), *How Democracies Die*. London: Penguin Books.
- Levitsky, S., & Way, L. A. (2002), “The rise of competitive authoritarianism”. *Journal of Democracy*, 13(2), 51–65.
- Lucardi A (2016), “Building Support from Below? Subnational Elections, Diffusion Effects, and the Growth of the Opposition in Mexico”, 1984–2000.” *Comparative Political Studies* 49(14), 1855–1895. <https://doi.org/10.1177/001041401666668>.
- McCoy J and Somer M (2021), “Overcoming Polarization”. *Journal of Democracy* 31(1), 6–21. <http://doi.org/10.1353/jod.2021.0012>.
- Mudde C and Kaltwasser CR (2017), “Populism: A Very Short Introduction”. Oxford: Oxford University Press.
- Orenstein MA and Schmitz H-P (2006), “The New Transnationalism and Comparative Politics”. *Comparative Politics* 38(4), 479–500. <https://doi.org/10.2307/20434013>.
- Ottaway, Marina (2003), *Democracy Challenged: The Rise of Semi-Authoritarianism*. Translator: Saeed Mirtrabi, Qoms Publishing House, Tehran.[In Persian].
- Sadeghian, Hassan (2021), *The process of democratization in Türkiye and the obstacles to consolidation in the Justice and Development Party government*. Publications of sociologists. Tehran.[In Persian].
- Somer, M (2019), “Turkey: The Slippery Slope from Reformist to Revolutionary Polarization and Democratic Breakdown”. *Annals of the American Academy of Political and Social Science* 681(1), 42–61. <https://doi.org/10.1177/00027162188180>.
- Sözcü (2019), “İmamoğlu: Kamu Bankalarının Kapıları İBB’ye Kapatıldı.” 29 November, www.sozcu.com.tr/2019/gundem/imamoglu-kamu-bankalarinin-kapilari-ibbye-kapatildi-5469954/.
- Sözcü (2020), “İBB’nin Bağış Kampanyası İçin Açtığı Banka Hesapları Bloke Edildi.” 31 March, www.sozcu.com.tr/2020/gundem/ibbnin-bagis-kampanyasi-icin-actigi-banka-hes-

aplari-bloke-edildi-5716081/.

- Strauss, Anselm, Corbin, Juliet (2011), Basics of Qualitative Research (Techniques and Stages of Grounded Theory Production), Translator: Ebrahim Afshar, Publisher: Ney, Tehran. [In Persian].
- Taliban, Mohammad Reza (2008), “A reflection on the technique of “process tracing” in the Studies Islamic Revolution”, Metin Scientific-Research Quarterly, No. 40. [In Persian].
- Tepe S and Alemdaroğlu A (2021), “How Authoritarians Win When They Lose”. Journal of Democracy 32 (4), 87–101. <http://doi.org/10.1353/jod.2021.0054>.
- Vegetti F (2019), “The Political Nature of Ideological Polarization: The Case of Hungary”. Annals of the American Academy of Political and Social Science 681(1), 78–96. <https://doi.org/10.1177/0002716218813895>.
- Welzel C (2021), “Democratic Horizons: What Value Change Reveals about the Future of Democracy”. Democratization 28(5), 992–1016. <https://doi.org/10.1080/13510347.2021.1883001>.
- Yabancı B (2023), “At the Intersections of Populism, Nationalism and Islam: Justice and Development Party and Populist Reconfiguration of Religion in Politics”. British Journal of Middle Eastern Studies 50(2), 351–375. <https://doi.org/10.1080/13530194.2021.1972794>.

شماره توییت	تاریخ	لینک توییت
۱۴۷	۲۰۱۹/۰۹/۱۸	https://twitter.com/imamoglu_int/status/1174233086063722504
۱۵۷	۲۰۱۹/۰۹/۲۸	https://twitter.com/imamoglu_int/status/1177859407767638016
۱۶۴	۲۰۱۹/۱۰/۸	https://twitter.com/imamoglu_int/status/1181647430082875392
۱۶۶	۲۰۱۹/۱۰/۱۰	https://twitter.com/imamoglu_int/status/1182267519270359040
۲۲۵	۲۰۱۹/۱۲/۰۳	https://twitter.com/imamoglu_int/status/1201904178282541056
۲۲۶	۲۰۱۹/۱۲/۱۰	https://twitter.com/imamoglu_int/status/1204293189328416768
۲۳۲	۲۰۱۹/۱۲/۲۴	https://twitter.com/imamoglu_int/status/1209532674890719232
۳۰۱	۲۰۲۰/۰۴/۰۹	https://twitter.com/imamoglu_int/status/1248334827151151108
۳۴۱	۲۰۲۰/۰۸/۱۰	https://twitter.com/imamoglu_int/status/1292834500662169600
۳۵۷	۲۰۲۰/۱۰/۰۱	https://twitter.com/municipalityist/status/1311577890140622848
۳۷۹	۲۰۲۰/۱۲/۱۴	https://twitter.com/imamoglu_int/status/1338538974831374336
۳۸۸	۲۰۲۱/۰۱/۲۶	https://twitter.com/imamoglu_int/status/1351274016691154945
۴۱۰	۲۰۲۱/۰۴/۲۴	https://twitter.com/imamoglu_int/status/1386010424643047429
۴۱۸	۲۰۲۱/۰۵/۱۰	https://twitter.com/imamoglu_int/status/1391817641447284748
۴۵۵	۲۰۲۱/۰۹/۲۱	https://twitter.com/imamoglu_int/status/1440287011827433481

۴۵۶	۲۰۲۱/۰۹/۲۲	https://twitter.com/imamoglu_int/status/1440630396824162316
۴۶۵	۲۰۲۱/۱۱/۱۳	https://twitter.com/imamoglu_int/status/1459493916680593411
۴۹۳	۲۰۲۱/۱۱/۳۰	https://twitter.com/imamoglu_int/status/1465766762843185155